

ظرفیت‌شناسی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه

به آموزه مهدویت در بستر تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۵

محمد رضا بروزویی*

احمد جهانگیری فیض‌آبادی**

چکیده

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، در میان استادان و صاحب‌نظران حوزه مهدویت، رویکردهای مختلفی شکل گرفته که از بستر علمی خاصی برخاسته و با توجه به جهت‌گیری تمدنی انقلاب اسلامی، هر یک از این رویکردهای مهدوی می‌تواند از ظرفیت ویژه خود برای تحقق این تمدن بهره‌گیرد. یکی از این رویکردها، رویکرد «راهبردی و آینده‌نگارانه» به مهدویت بوده که از سوی برخی صاحب‌نظران حوزه مهدویت مطرح شده است. مقاله حاضر که یک تحقیق توصیفی - اکتشافی است سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت چیست و از چه ظرفیتی برای تحقق تمدن اسلامی برخوردار است؟ بدین منظور در بخش اول جهت معرفی علمی این رویکرد، از شناسنامه علمی با چارچوب تعریف شده‌ای که از «رئوس ثمانیه» علم منطق عاریه گرفته شده، استفاده شد و سپس در بخش دوم، برای ظرفیت‌شناسی تمدنی، بعد از انجام چند مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران این رویکرد، با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون (Thematic Analysis)، در قالب مضامین سه‌گانه «توصیفی»، «تفسیری» و «یکپارچه‌ساز» و با استفاده از نرم‌افزار Maxqda، کدگذاری و تحلیل گردید. بر اساس یافته‌ها و اطلاعاتی که در تحلیل مضامین به دست آمد، در نهایت مشخص شد که بیشترین ظرفیت تمدنی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به ترتیب اولویت؛ در نظام‌های «دانشی و فناوری»، «اجتماعی»، «سیاسی و حقوقی»، «معنوی و عبادی»، «تربیتی و اخلاقی»، «فرهنگی و هنری»، «ارتباطی» و «اقتصادی» جهت حرکت به سمت تمدن زمینه‌ساز ظهور (تمدن نوین اسلامی)، بروز و ظهور خواهند داشت.

واژگان کلیدی: مهدویت، تمدن نوین اسلامی، رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه، ظرفیت‌شناسی.

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول).

borzooei@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی در ایران، توجه به مباحث اسلامی و اعتقادی به طور چشمگیری گسترش یافت. در میان جامعه حوزوی و علمی نیز فضای مناسبی جهت ارائه مباحث مختلف مطرح شد. توجه به معارف مهدویت در اوایل انقلاب، با افت و خیزهایی مواجه بود و تندروری‌های گروهی با عنوان «انجمن خیریه حجتیه مهدویه»، سبب موضع قاطع و صریح امام خمینی (ره) در آن زمان گردید. این مسئله باعث شد که در دهه‌های نخست انقلاب، مباحث مهدویت با احتیاط و محافظه‌کاری بیشتری جلو رود.

علی‌رغم این‌گونه رویکردها در حوزه مهدویت، بعد از انقلاب اسلامی با توجه به نقشه راه نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر حرکت در جهت تمدن نوین اسلامی یا همان تمدن مهدوی که هدفش، زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر (عج) است، مباحث مهدویت که بیانگر ترسیم آینده‌ای مطلوب برای بشریت می‌باشد، در میان اندیشمندان حوزوی و علمی جایگاه حساس و برجسته‌ای داشته و دارد و رویکردهای مختلفی در این حوزه شکل گرفته است. در یک گونه‌شناسی، این رویکردها را به رویکردهای «قرآنی»، «روایی»، «کلامی»، «فلسفی»، «تمدنی»، «تاریخی»، «عرفانی»، «فقهی»، «تربیتی»، «راهبردی و آینده‌نگارانه»، «تبلیغی و اطلاع‌رسانی»، «جامعه‌شناختی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «آیینی و مناسکی»، «روش‌شناختی»، «مدیریتی» و «ادبی» دسته‌بندی کرده‌اند (جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به: الویری و برزویی، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

هر یک از این رویکردها که برخاسته از یک نگاه و رشته علمی خاصی است، عرصه و ابعاد ویژه‌ای از حوزه مهدویت را نشان می‌دهند و مسیر و آینده پیش رو را بر اساس آن ترسیم می‌نمایند. علاوه بر این، هر یک از رویکردهای موجود که اشاره شد، از ظرفیت محدودی برای تحقق گفتمان مهدویت و حرکت به سمت تحقق تمدن اسلامی برخوردار است که شناخت این ظرفیت‌ها می‌تواند از یک سو به کشف ظرفیت کلی موجود و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها کمک نماید؛ و از سوی دیگر خلأهای موجود و کوشش برای ایجاد رویکردهایی نو که برآورنده آن خلأهاست را بهتر نشان دهد.

از این‌رو در این پژوهش سعی داریم به واکاوی یکی از رویکردهای ذکر شده یعنی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت بپردازیم و به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت چیست و از چه ظرفیتی برای تحقق تمدن اسلامی برخوردار است؟

۱. مفاهیم اصلی

۱-۱. ظرفیت‌شناسی

منظور از «ظرفیت‌شناسی»؛ شناسایی، دسته‌بندی، استخراج قابلیت‌ها و حتی محدودیت‌هایی است که رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به آموزه مهدویت برای تحقق آرمان‌های فردی و اجتماعی جامعه اسلامی در رسیدن به تمدن اسلامی دارند.

۱-۲. رویکرد و رهیافت

رویکرد^۱ عبارت است از زاویه دید و نگرش جمعی عالمان و متخصصان در پیدایش یک نظریه یا اندیشه‌ای معین، مانند رویکرد فلاسفه حکمت متعالیه به نظریه‌ها و مسایل فلسفی؛ و رهیافت^۲ نیز عبارت است از زاویه، افق، دامنه دید و نگرش شخصی عالمان و پژوهشگران در پیدایش یک نظریه یا اندیشه‌ای معین، مانند رهیافت جامعه‌شناختی دکتر شریعتی یا رهیافت فلسفی استاد مطهری در فهم آموزه‌های دینی. بر این اساس، گرچه دکتر شریعتی و استاد مطهری از روش نقلی - دینی برای حل مسایل گوناگون بهره می‌گرفتند، ولی رویکرد آن دو شخصیت در فهم متون دینی متفاوت بود؛ دکتر شریعتی، تفسیر جامعه‌شناختی از مفاهیم دینی ارائه می‌داد و کارکردهای اجتماعی دین برای او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، ولی استاد مطهری، گرچه با این رویکرد نیز به مسایل دینی می‌پرداخت، رویکرد فلسفی - آن هم با گرایش حکمت متعالیه - او غلبه داشت و به همین جهت، تلاش می‌کرد تا تبیین عقلانی از گزاره‌ها و باورهای دینی ارائه دهد. هر رویکرد یا رهیافتی با پیش‌فرض‌های خاصی به نظریه و اندیشه معینی می‌نگرد؛ برای نمونه، پیش‌فرض‌های جبرگرایی، تأثیر جامعه بر اندیشه و نسبی‌گرایی معرفتی بر رویکرد جامعه‌شناختی معاصر غرب حاکم است؛ یا رویکرد تاریخی، شناخت اندیشه یا نظریه را در شرایط زمانی و مکانی خاص خود پیگیری می‌کند.

۱-۳. مهدویت

از نظر لغوی؛ یک کلمه عربی و از واژه «مهدی» گرفته شده است و از نظر اصطلاحی نیز؛ مهدویت شامل اعتقاد به «وجود»، «حضور» و «ظهور» مهدی موعود (عج) می‌شود.

شیعیان معتقدند بنا به وعده الهی فردی هم‌نام پیامبر خاتم (ﷺ) ملقب به «مهدی» (ﷺ) از نسل پیامبر اسلام (ﷺ) و نهمین فرزند از نسل حسین بن علی (ﷺ)، ظهور می‌کند و زمین را سراسر عدل و داد می‌کند. بنا به این اعتقاد، مهدی (ﷺ) در سال ۲۵۵ (قمری) به دنیا آمده و پس از دوره‌ای به نام غیبت صغری، غیبت کامل (غیبت کبری) شروع شد که تاکنون ادامه داشته است. به باور شیعه، مهدی (ﷺ) امام دوازدهم و منجی وعده داده شده الهی است (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۴۱-۱۴۳).

آموزه مهدویت اندیشه‌ای معطوف به آینده است که بر اساس برنامه الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت‌ناپذیر و وعده داده شده است (کارگر، ۱۳۸۸، ص ۸۰). این جمله بدین معناست که حرکت تاریخ به سمت آینده مهدوی، محتوم، قطعی و وعده داده شده است.

چنانچه از امام باقر (ﷺ) سؤال شد: آیا می‌شود امر قطعی الهی تغییر کند؟ فرمود: آری. گفته شد: می‌ترسیم درباره ظهور قائم (ﷺ) نیز چنین شود! فرمود: خیر در ظهور قائم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود؛ سپس آیه (إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ) را قرائت کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۵۰).

۴-۱. تمدن اسلامی

با بررسی معانی و تعاریف مختلف لغوی و اصطلاحی «تمدن» تعاریف برگزیده ما در این مقاله از «تمدن» و «تمدن اسلامی» اینگونه خواهد بود که تمدن؛ «واقعیتی چندلایه، چند سطحی، پویا و رو به رشد است که در آن حیات بشری در ابعاد مختلف اعم از فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و ابزاری شکوفا می‌شود و انسان‌ها در هر یک از این زمینه‌ها به تولید و خلاقیت دست می‌زنند» و تمدن اسلامی نیز ناظر به انقلاب اسلامی ایران؛ «شکل جامع و فراگیری از اسلام است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است؛ و در زنجیره پویا و متکامل انقلاب، نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی؛ در ابعاد مختلف فلسفی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به صورت تدریجی و گام به گام پیش می‌رود و تحقق متعالی آن در دوران ظهور امکان‌پذیر خواهد شد (الویری و برزویی، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

۲. روش تحقیق و تکنیک پردازش داده‌ها

مقاله حاضر از نظر هدف؛ یک تحقیق کاربردی و از نظر ماهیت؛ یک تحقیق توصیفی - اکتشافی است. روش تحقیق این مقاله، یک روش ترکیبی بوده که در مرحله اول یعنی گردآوری اطلاعات به جمع‌آوری «اسناد و منابع مکتوب و چند رسانه‌های» و نیز «مصاحبه عمیق» با متخصصان و صاحب‌نظران رویکرد، پرداخته شده است. در بررسی اسناد و منابع، به صورت مشخص، آرشیو ۱۲ساله مقالات، مطالب و مصاحبه‌های «فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود» که به مثابه قدیمی‌ترین و مهم‌ترین نشریه علمی که انعکاس‌دهنده آرای مهدویت‌پژوهان است؛ بررسی شد و همچنین به کتب تألیفی منتشر و یا تجدید چاپ شده با موضوع مهدویت در سال‌های ۹۲ و ۹۳؛ و محصولات چندرسانه‌ای تولید شده در این حوزه، مراجعه و مصاحبه‌های عمیق نیز به صورت هدفمند از اساتید متخصص و صاحب‌نظر در این حوزه گرفته شد.

در مرحله دوم که تحلیل اطلاعات است، ابتدا با استفاده از شناسنامه‌ای علمی با چارچوب تعریف شده‌ای که از «رئوس ثمانیه» علم منطق عاریه گرفته شده، سعی شد که رویکرد مورد نظر به طور جامع الاطرافی معرفی گردید. و در ادامه به ظرفیت‌شناسی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه با استفاده از روش کیفی «تحلیل مضمون» پرداخته شده است.

۲-۱. رئوس ثمانیه

دانشمندان گذشته هرگاه می‌خواستند علمی را تعلیم دهند، هشت مطلب را درباره آن علم به عنوان «مقدمه» بیان می‌کردند و معتقد بودند دانستن این مطالب باعث می‌شود مخاطب، بهتر و با دید صحیح‌تری آن علم را بیاموزد. در مورد علم منطق نیز شیوه بیشتر کتب منطقی بر این اساس است که ابتدا از این هشت مطلب بحث کرده و سپس وارد خود مباحث منطقی می‌شوند، بنابراین اکثر منطق‌دانان، بیان این مقدمات را پیش از ورود به منطق لازم می‌دانستند. به این هشت مطلب «رئوس ثمانیه» یا «موضوعات هشتگانه» می‌گفتند که عبارتند از: ۱. تعریف علم؛ ۲. موضوع علم؛ ۳. فایده علم؛ ۴. مؤلف علم؛ ۵. ابواب و مباحث علم؛ ۶. جایگاه علم در میان دیگر علوم؛ ۷. غرض و مقصود علم؛ ۸. روش‌های تعلیم علم

(خوانساری، ۱۳۶۳، ص ۲).

از آنجا که این موضوعات هشتگانه برای شناساندن یک موضوع، بسیار مفید و کارا هستند، جهت معرفی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه از آن‌ها استفاده خواهد شد. اما از آن رو که این رئوس هشتگانه برای معرفی رویکرد مورد نظر قابل تلفیق و تجمیع هستند، در این پژوهش، موضوعات هشتگانه در شش محور تلفیق شده و به آن «شناسنامه رویکرد» می‌گوییم. محورهای تلفیقی جهت تدوین شناسنامه رویکرد عبارتند از:



شکل ۱. شناسنامه رویکردهای مهدویت

۲-۲. تحلیل مضمون^۳

برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها، از تکنیک تحلیل مضمون (تم) استفاده شده است؛ تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌ها است. این روش در حداقل خود داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند. اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و تحلیل‌های متنوع را به داده‌هایی منسجم و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006).

شناخت مضمون، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع، در نحوه شناخت مضامین، تأثیر می‌گذارد. از آنجا که تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز - که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند - چقدر است. بنابراین، مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد (Braun & Clarke, 2006).

طبق نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) و کینگ و هاروکس (۲۰۱۰، ص ۱۴۹)، به رغم اینکه قاعده کاملاً مشخصی درباره شناخت مضمون وجود ندارد اما می‌توان جهت تعریف و شناخت آن از اصول راهنمای مناسبی استفاده کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اولاً. شناخت «مضمون» هرگز به معنی صرفاً یافتن نکته جالبی در داده‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد؟ از چه چیزهایی باید صرف‌نظر و چگونه باید داده‌ها را تحلیل و تفسیر کند؟ ثانیاً. واژه «مضمون» به طور ضمنی و تا حدی، مبین «تکرار» است؛ لذا مسئله‌ای که صرفاً یکبار در متن داده‌ها ظاهر شود نمی‌توان مضمون به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به طور معمول، تکرار به معنی مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مورد در متن است. ثالثاً. «مضمون»ها باید از یکدیگر متمایز باشد. با وجود اینکه هم‌پوشانی در میان مضامین تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف شده‌ای میان مضامین مختلف وجود نداشته باشد نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد.

۲-۱. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون

کینگ و هاروکز در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمونی، فرایندی سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمونی ارائه داده‌اند که در این

مقاله نیز از این فرآیند استفاده می‌شود. این فرآیند شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر می‌باشد که در ادامه تشریح می‌گردد:



شکل ۲. مراحل تجزیه و تحلیل دادها با استفاده از روش تحلیل مضمون

مرحله اول: کدگذاری توصیفی

در این مرحله، هدف شناسایی قسمت‌هایی از داده‌های پیاده شده است که می‌توانند در پرداختن به سؤال پژوهش مفید باشند. در کدگذاری توصیفی بر تلاش برای «توصیف» چیزهایی که در اسناد و در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان حائز اهمیت است و نه «تفسیر»

معنای آن‌ها تأکید می‌شود.

گام اول کدگذاری توصیفی خواندن کامل متونی است که قصد تحلیل آن را داریم. گام بعدی، مشخص کردن هر چیزی در متن که ممکن است به ما برای فهم رویکردها، دیدگاه‌ها، تجربیات و ادراکات مؤلف و مصاحبه‌شونده، در ذیل عنوان مقاله کمک نماید. گام آخر این مرحله بهره‌گیری از توضیحات اولیه برای تعریف کدهای توصیفی است. این کدها بایستی نسبتاً نزدیک به داده‌ها باقی بمانند و از هرگونه اندیشیدن در مورد آنچه ممکن است در پس چیزی که مؤلف و مصاحبه‌شونده گفته وجود داشته باشد و یا تفسیر آن در پرتو یک تئوری مشخص پرهیز شود. پس از انجام کدگذاری توصیفی یک مصاحبه، به سراغ مصاحبه بعدی رفته و همین فرایند را تکرار می‌کنیم. در پژوهش حاضر، پس از گردآوری اطلاعات، متون جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار MAXQDA شد و بر اساس این نرم‌افزار، کدگذاری و تحلیل انجام پذیرفت.

مرحله دوم: کدگذاری تفسیری

در این مرحله تلاش می‌شود تا فراتر از «توصیف» گفته‌های مصاحبه‌شونده عمل کرده و بر تفسیر معانی آن‌ها تمرکز شود. این کار عمدتاً با ترکیب کدهای توصیفی‌ای که به نظر می‌رسد یک معنای واحد را در خود دارند انجام می‌شود. اگرچه ممکن است در جریان برگشتن به متن جهت قرار گرفتن در فضای بحث، کد تفسیری‌ای تعریف کنیم که به طور مستقیم به هیچ کد توصیفی مشخصی مربوط نباشد.

در این مقاله، در مرحله کدگذاری تفسیری، کدهای توصیفی تولید شده در مرحله قبل از طریق تفسیر معانی کدهای توصیفی و طی مقایسه مستمر چندباره آن‌ها، در یکدیگر ادغام یا در ذیل یکدیگر قرار گرفتند و بدین ترتیب کدهای توصیفی خوشه‌بندی شده، خوشه‌ها برای پاسخگویی به سؤال پژوهش تفسیر شدند.

در مرحله دوم تحلیل مضمون، که کدگذاری تفسیری است، کدها باید معطوف به تحقق تمدن اسلامی باشد. لذا کدهای تفسیری ما نیز باید برای رسیدن به این منظور تعیین شود. با حرکتی معکوس در جهت تمدن‌سازی، در می‌یابیم که هر تمدنی در درون خود، شامل خرده‌نظام‌هایی است که در کنار یکدیگر تمدن‌ساز می‌شوند. پس از

مطالعات مختلف و بررسی‌های تطبیقی، «نظام‌های هشتگانه‌ای» که می‌توانند تمدن را شکل می‌دهند به دست آمد که این نظام‌ها عبارتند از:

۱. نظام معنوی و عبادی (ناظر به مباحث دینی و معرفتی)
۲. نظام دانشی و فناوری (ناظر به مباحث علمی و تئوریک)
۳. نظام تربیتی و اخلاقی (ناظر به مباحث اخلاق و تربیت در سطح فرد و اجتماع)
۴. نظام اجتماعی (ناظر به مباحث و مسائل حوزه اجتماع و جامعه اسلامی)
۵. نظام فرهنگی و هنری (ناظر به مباحث و مسائل حوزه فرهنگی و هنری)
۶. نظام سیاسی و حقوقی (ناظر به مباحث و مسائل حکومتداری و حقوق افراد در دولت‌ها)
۷. نظام ارتباطی (ناظر به مباحث ارتباطات درون‌فردی، میان‌فردی، جمعی، میان فرهنگی و بین‌المللی)
۸. نظام اقتصادی (ناظر به چرخه و مسائل اقتصادی در جوامع اسلامی) (رجوع شود به: بابایی، ۱۳۹۳، صص ۴۳-۶۸؛ مظاهری، ۱۳۹۳، صص ۱۳۸-۱۳۹ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸).

مرحله سوم: یکپارچه‌سازی و تعریف مضامین فراگیر

در مرحله سوم کدگذاری، تعدادی مضامین فراگیر شناسایی می‌شوند که مفاهیم کلیدی تحقیق را بیان می‌کنند. این مضامین باید بر پایه مضامین تفسیری بنا شوند ولی در سطح تجرید بالاتری از آن‌ها قرار دارند. در این مرحله می‌توان به طور مستقیم از هر ایده تئوریکی که زیربنای تحقیق را تشکیل می‌دهد استفاده نمود. البته تا آنجایی که این ایده تئوریک توسط تحلیل‌های ما حمایت می‌شود. باید تلاش نمود که تعداد کدهای فراگیر تا جای ممکن محدود شود. این کدها باید به حداقل معقولی از مصاحبه‌ها مرتبط باشند ولی اگر به تحلیل کلی ما کمک می‌کند، می‌توان حتی کدهایی که به یک یا دو مصاحبه نیز مرتبط هستند را نیز تعریف نمود (King and Horrocks, 2010, pp 152-155؛ به نقل از مختاریان‌پور، ۱۳۹۱).

در مرحله سوم تحقیق حاضر، با استنتاج مضامین فراگیر، مضامین تفسیری در ذیل

مضامین فراگیر یکپارچه شده و مدل‌سازی از این طریق محقق شده است. یک نکته اساسی در کدگذاری مضامین این است که مراحل سه‌گانه کدگذاری توصیفی و تفسیری به صورت متداخل انجام می‌گیرند. بدین معنا که این‌گونه نیست که ابتدا کلیه کدها در تمامی مصاحبه‌ها به صورت توصیفی کدگذاری شده و پس از اتمام کدگذاری توصیفی تمام مصاحبه‌ها، کدگذاری تفسیری آغاز شود، بلکه با تولید تعدادی کدهای توصیفی، مقایسه مستمر آن‌ها، محقق را به کدهای تفسیری رهنمون می‌شود و بدین ترتیب رفته رفته مجموعه خوشه‌ها کامل و کاملتر گردیده و با تفسیر و خوشه‌بندی آن‌ها در یک سطح بالاتر، مضامین فراگیر ظهور خواهند یافت.

۳. رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت

۳-۱. نام رویکرد

رویکرد راهبردی (استراتژیک) و آینده‌نگارانه در حوزه مهدویت.

۳-۲. تعریف رویکرد

این رویکرد برخاسته از دو موضوع مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی است. در تعریف راهبردی آمده که راهبرد پاسخ به پنج سؤال اصلی است، پرسش از کجایی (تبیین و توصیف موقعیت فعلی)؛ پرسش از آینده (تبیین موقعیت مجموعه در آینده مشخص)؛ پرسش از چگونگی (بیان روش‌ها و طرح‌هایی که رسیدن به موقعیت مطلوب را میسر می‌سازد)؛ پرسش از میزان تحقق (بیان شاخص‌هایی که میزان تحقق اهداف را نشان می‌دهد) و پرسش از شیوه اطمینان بخشی (اینکه چگونه می‌توان تحول و رشد مورد نظر را پیگیری و صیانت کرد) (غفاریان و علی احمدی، ۱۳۸۲، به نقل از عرفان، ۱۳۹۰، ص ۸) این سؤالات، مسائلی است که پاسخ آن‌ها در آموزه‌ها، اعتقادات و اندیشه‌های مهدویت وجود دارد.

از طرفی در تعریف آینده‌پژوهی آمده است؛ آینده‌پژوهی، دانش و معرفتی است که دید مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی آینده باز می‌کند و از طریق کاهش ابهام‌ها و تردیدهای فرساینده، توانایی انتخاب‌های هوشمندانه مردم و

جامعه را افزایش داده و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند به کجاها (آینده‌های اکتشافی و محتمل) می‌توانند بروند؛ به کجاها (آینده‌های هنجاری) باید بروند و از چه مسیرهایی (راهبردهای معطوف به خلق آینده) می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴، ص ۳). این موضوعات نیز از آنجا که به آینده مربوط می‌شود، بین آینده‌پژوهی و مهدویت پیوند ایجاد می‌کند و مسلمانان در پیگیری آموزه‌ها و معارف اسلامی با چشم‌انداز روشن و مشخصی درباره آینده روبرو هستند که مبتنی بر آن، خاستگاه و سرنوشت نهایی نیروهای فعال در تاریخ زندگی بشر توضیح داده می‌شود.

به طور کلی می‌توان با بررسی نظرات صاحب‌نظران، رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه را این چنین تعریف کرد که این رویکرد به نوعی «مأموریت محور» است. آینده‌نگری مأموریت محور، قائل به یک رسالت و افقی است که می‌بایست در آینده به آن رسید. برای دسترسی به این افق از آینده، از حال و گذشته نیز استفاده می‌شود. حلقه واسط بین آینده‌پژوهی و مطالعه تمدن، آینده‌پژوهی با تمرکز بر «حال محوری» است. اولین ظرفیت مهم مهدویت در این عرصه، چهره دقیق و شفاف است که بر خلاف آینده‌نگری آکادمیک، به مردم و بشریت ارائه می‌دهد. اعطای نقش محوری به مردم (منتظران) در تحقق آرمان ظهور و حرکت جهانی آخرالزمانی، شکل‌دهی به جامعه در یک نقشه جامع از دیگر مزایای خاص مهدویت نسبت به آینده‌نگری غربی است. لذا این رویکرد را می‌توان؛ «استفاده از پتانسیل تفکر مهدوی در ورودی‌های نگاه آینده‌پژوهی» تعریف نمود (گودرزی، ۱۳۹۲).

بنابراین مقصد در رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مباحث مهدویت رسیدن به جامعه آرمانی و مهدوی است؛ چشم‌انداز این مقصد در روایات به خوبی توصیف و تبیین شده است و حتی برخی از افراد و شخصیت‌ها نیز این چشم‌انداز را به وضوح تعریف نموده‌اند، منتها چون به نظر می‌آید که این افق، افق دوری است و دستیابی به آن تا حدی غیرممکن است، لذا برای رسیدن به آن نیاز به واسطه‌هایی است که نقش اهداف میانی و نزدیکتر را ایفا کنند و ما مکلف به انجام آن‌ها هستیم، در این صورت حضرت حجت با عنایت ویژه‌ای که دارند آن امور کلان و افق بلند را پایه‌گذاری

می‌نمایند. بنابراین ما در عصر غیبت مکلف به ساختن جامعه منتظر هستیم، جامعه‌ای که مدخل و ورودی جامعه آرمانی است و به عنوان زمینه‌ساز ظهور حضرت مطرح شده و مورد توجه قرار می‌گیرد. جامعه منتظر و زمینه‌ساز جامعه‌ای است که شرایط فردی و اجتماعی برای ظهور در آن مهیا است، به گونه‌ای که اگر امام ظهور نماید امر ایشان بر زمین نخواهد ماند، به تعبیر دیگر در جامعه زمینه‌ساز زمین برای آغاز، بسط و توسعه حکومت مهدوی و دستیابی به مقاصد و اهداف عالی الهی آماده و مهیا است.

به طور قطع در تشکیل جامعه منتظر به یکسری شاخصه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی نیاز داریم تا از طریق آن‌ها بتوانیم جامعه مورد نظر را به صورت کمی و کیفی تعریف و تبیین نماییم برای کشف و به‌دست آوردن این مؤلفه‌ها چندین راه وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنم.

پس از شناسایی و به‌دست آوردن شاخصه‌های لازم و همچنین با آگاهی از نقاط مثبت و منفی (درون سیستم) و فرصت و تهدیدهایی (در خارج از سیستم) که در اطرافمان وجود دارد، می‌توانیم حرکت خود را - با هر مدلی که باشد دیوید، پیرس، هکس و... - از وضع موجود در جهت رسیدن به وضع مطلوب و مقصد نهایی آغاز نماییم؛ راهبردها و استراتژی‌های کلانی هم که در حوزه‌هایی نظیر فرهنگی یا سیاسی تعیین و تدوین می‌شوند، به عنوان برنامه‌ریزی‌هایی جهت دستیابی به جامعه منتظر و زمینه‌ساز محسوب می‌شوند.

از آن‌جا که در آیات و روایات نشانه‌های زیادی برای ظهور بیان شده می‌توان با استفاده از آن‌ها، راهبردهای مشخصی را برای رسیدن و تحقق آینده مطلوب استخراج کنیم. به عنوان مثال به یک نمونه اشاره می‌شود: خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» - خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده داده که آن‌ها را به یقین خلیفه روی زمین کند، آن‌گونه که پیشینیان آن‌ها را خلافت (روی زمین) بخشید و دین و آیینی را که برای آن‌ها پسندیده است پا برجا و ریشه‌دار سازد و بیم و ترس آن‌ها را

به آرامش و امنیت مبدل کند، آن چنان می‌شود که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد و کسانی که بعد از آن کافر شوند آن‌ها فاسقند.

در این آیه با صراحت به مؤمنان صالح بشارت داده شده است که سرانجام حکومت روی زمین را در دست خواهند گرفت و دین اسلام فراگیر خواهد شد و ناامنی‌ها و وحشت‌ها به آرامش و امنیت مبدل می‌گردد، شرک از سراسر جهان برچیده می‌شود و بندگان خدا با آزادی به پرستش خدای یگانه ادامه می‌دهند و نسبت به همگان اتمام حجت می‌شود، به گونه‌ای که اگر کسی بعد از آن بخواهد راه کفر را بپوید، مقصر و فاسق خواهد بود. بنابراین نشانه‌های ظهور با تصویرپردازی از آینده‌ای کاملاً واضح و روشن به ما می‌گوید که چگونه به سمت ظهور حرکت کنیم و وظایف ما را در هر زمان تشریح می‌کند.

۳-۳. پیشینه، سیر تحول رویکرد

این رویکرد پیشینه‌ای طولانی ندارد، موضوعات راهبرد، آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی بحث‌های نوینی است که در غرب هم وقتی می‌خواهند قدمت تاریخی برای آن‌ها تعیین کنند عمدتاً یک تاریخ ۲۰-۳۰ سال برای آن قائل هستند و یا نهایتاً ۵۰-۴۰ سال برای این رشته عمر می‌گذارند. و در کشور ما نیز در سال‌های اخیر بعضی از صاحب‌نظران در مباحث و موضوعات مختلف از جمله مباحث دینی و نیز حوزه مهدویت این رویکرد را در دیدگاه‌های خود مدنظر قرار داده‌اند.

۳-۴. قلمرو موضوع و محتوای رویکرد

۳-۴-۱. قلمرو موضوع

مباحث و سؤالاتی که در این حوزه مطرح می‌شود را می‌توان در سه بخش مطرح نمود:

الف) در صورتی که هنوز میان اندیشمندان، اختلافاتی در مبانی آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی وجود دارد ولی چرا این قدر بر این حوزه مطالعاتی تأکید می‌شود؟

ب) در جهان امروز و با تمرکز بر انقلاب اسلامی ایران، چه نوعی از راهبردهای آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی اهمیت پیدا می‌کند و وظیفه ما در قبال آن چیست؟

ج) با پذیرش «آینده‌پژوهی الهی»، ارتباط میان «آینده‌پژوهی و مهدویت» چیست و آیا می‌توان با طرح مسئله «آینده‌پژوهی مهدوی» رویکردها و حوزه‌های فراگیری از آن را مطرح نمود؟

۳-۴-۲. محتوای رویکرد

در موضوع آینده‌پژوهی دینی و مهدوی سه نگاه عمده وجود دارد که عبارتند از: **نگاه اول:** برخی از صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که؛ هر تلاشی در حوزه آینده‌پژوهی دینی انجام شود، می‌بایست به مهدویت منتج شود. این افراد، مهمترین بخش آینده‌پژوهی که هدف و مقصد آن است را با هدف و مقصد مهدویت مقایسه می‌کنند و از این روست که آینده‌پژوهی دینی را برابر با مهدویت می‌دانند. معتقدین به این دیدگاه در پاسخ به منتقدین خود می‌گویند که؛ در بحث آینده‌پژوهی دینی، از آنجایی که افق (هدف و مقصد) مهدویت در نظر گرفته شده، هیچ خطایی در آن اتفاق نمی‌افتد. اگر چنانچه بخشی هم به نظر خطا می‌رسد، با اعتقاد بر این مطلب که خطایی در دایره علم الهی امکان وقوع ندارد، این خطا از منظر بیننده است.

نگاه دوم: معتقدین به نگاه دوم قائل هستند که علی‌رغم ارتباط وسیعی که میان آینده‌پژوهی و مهدویت وجود دارد ولی اختلاف‌هایی نیز وجود دارد. طرفداران این نگاه، علائم و نشانه‌های تعریف شده در حوزه آینده‌پژوهی را نشانه‌های آخرالزمان می‌دانند. لذا در این نگاه، لزوماً مهدویت کاملاً مساوی با آینده‌پژوهی دینی دیده نمی‌شود، بلکه رویکرد آینده‌نگرانه، یک رویکرد کلامی و تمدنی است.

نگاه سوم: عده‌ای از صاحب‌نظران نیز بر این باورند که مهدویت را باید به عنوان یک «افق راه» و یک «ستاره راهنما» استفاده کنیم. با این دیدگاه باید سؤال کرد چه اصراری برای استفاده از مهدویت در موضوعات راهبردی و آینده‌پژوهی است؟

پاسخ این است که در تفکر مهدویت حداقل چهار ویژگی مهم وجود دارد که از منظر آینده‌پژوهان این ویژگی‌ها قابل اغماض نیست:

الف) زبان مشترک ادیان: تفکر منجی‌گرایانه با تفاوت‌هایی که در این دو واژه هست، اشتراک بین ادیان است. وقتی با گفتمان منجی‌گرایی وارد آینده‌پژوهی شویم،

تقریباً می‌توان گفت که افراد مختلف یک تصور دارند.

ب) پایه‌های اعتقادی تفکر موعودگرایان: دومین ویژگی وجود پایه‌های اعتقادی توانمند در تفکر موعودگرایانه است. ویژگی موعود ایشان این است که بالاخره یک نفر هست که این وضع را تغییر دهد.

ج) غیبت فلسفه حیات: فلسفه غیبت توانسته اندیشه شیعی را سالیان سال و تا عصر حاضر زنده نگه دارد. زیرا در مسئله غیبت، حداقل این است که منجی هنوز زنده است. این موضوع پتانسیل این تفکر و اندیشه را نشان می‌دهد و عاملی است که باعث می‌شود افراد زنده بمانند و برای وضع مطلوب کار کنند.

د) نشانه‌ها، موضوعات امیدبخش: در روایات وارده، نشانه‌ها خیلی شفاف و روشن بیان شده است. نشانه‌ها، علائم و حوادث آخرالزمان یکی از موضوعات بسیار امیدبخش، راهبردی، تمدنی در تفکر موعودگرایانه است (گودرزی، ۱۳۹۲).

۳-۵. محصولات رویکرد

مهم‌ترین محصولات ارائه شده در ذیل عنوان رویکرد استراتژیک - آینده‌نگارانه را می‌توان در جدول زیر آورد:

جدول ۱. محصولات رویکرد استراتژیک-آینده‌نگارانه

ردیف	عنوان	قالب	اطلاعات نویسنده و سال چاپ
۱	تصمیم‌گیری استراتژیک؛ مطالعه موردی: رویکرد موعودگرایی شیعه	کتاب	(گودرزی، ۱۳۸۷)
۲	تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا	کتاب	(گودرزی، ۱۳۸۹)
۳	افق جهانی و مدیریت راهبردی موعودگرا	کتاب	(گودرزی، ۱۳۸۹)
۴	عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام	کتاب	(حکیمی، ۱۳۷۴)
۵	مهدویت و آینده جهان: مبانی اعتقادی موعودگرایی در ادیان	کتاب	(شاکری‌زواردهی، ۱۳۹۳)
۶	مهدویت و آینده‌پژوهی: مجموعه مقالات		(جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲)

ردیف	عنوان	قالب	اطلاعات نویسنده و سال چاپ
۷	بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان بینی اسلامی	مقاله	(عظیمی، ۱۳۸۸)
۸	آینده‌پژوهی مهدوی	مقاله	(کارگر، ۱۳۸۸)
۹	آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن	مقاله	(کارگر، ۱۳۸۹)
۱۰	مهدویت، آینده‌پژوهی و مهندسی فرهنگی	مقاله	(بهرز لک، ۱۳۸۷)
۱۱	آینده ادیان در چشم‌انداز جهانی	مقاله	(خان‌محمدی، ۱۳۸۶)
۱۲	آینده‌نگری و فرجام تاریخ بشر	مقاله	(الهی‌نژاد، ۱۳۸۶)
۱۳	دولت زمینه‌ساز	مقاله	(پور سیدآقایی، ۱۳۸۴)
۱۴	مهدویت و جایگاه آن در چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده‌پژوهی)	مقاله	(کارگر، ۱۳۹۲)
۱۵	تجلی نام امام مهدی (عج) بر ساخت واقعیت آینده	مقاله	(پورعزت، ۱۳۹۱)
۱۶	مهدویت؛ فرجام تنازع حق و باطل	مقاله	(الهی‌نژاد، ۱۳۹۱)
۱۷	آینده‌پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی	مقاله	(علی‌اکبری، ۱۳۹۲)
۱۸	تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی	مقاله	(قربانی، ۱۳۹۲)
۱۹	ضرورت توسعه فرهنگ عدالت‌پذیر برای نیل به جامعه عدل موعود	مقاله	(پورعزت، ۱۳۸۲)

۳-۶. هدف و کارکرد رویکرد

آینده‌نگاری کارکردها و توانمندی‌ها را پردازش می‌کند و در معرض برنامه‌ریزی قرار می‌دهد؛ کارکردهایی چون:

الف) آماده‌سازی جامعه در برابر آینده: با تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات، می‌توانیم خود و دیگران را برای آینده آماده و تحقق آن را مدیریت کنیم. در این

- حالت، فرصت‌ها و تهدیدها را می‌توانیم بشناسیم و در برابر آن، یا برای به دست آوردن آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم.
- ب) ترسیم و شبیه‌سازی نمایی کلی از آینده در حال ظهور: با استفاده از آینده‌نگاری موعود، بذر تحولات آینده را در زمان حال می‌توانیم بشناسیم و درباره آن چه در حال به وقوع پیوستن است، اطلاعات و دانش بیشتری کسب کنیم و نقش خود و جامعه را در آن بستر برویانیم.
- ج) دریافت و درک زودهنگام هشدارها: علاوه بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، آینده‌نگاری ما را درباره درک زود هنگام این حوادث و مدیریت آن یاری می‌رساند.
- د) اعطای خودباوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک ولایی فرآیند ظهور، به دلیل بررسی گسترده وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده و فراهم‌سازی اقدامات لازم برای آن، می‌توانیم با قدرت و اعتماد بالایی پیش برویم.
- ه) کسب موقعیت برتر و اقتدارآفرین: آینده‌نگاری، در حقیقت تصمیم‌گیری درباره آینده در زمان حال است؛ یعنی در زمان حال، درباره مسائل آینده تصمیم می‌گیریم و انرژی و موقعیت‌های برترآفرین خود را ترسیم می‌کنیم. دانش و بینشی که از آینده‌نگاری دریافت می‌کنیم، ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می‌کند.
- و) ایجاد تعادل میان رخدادهای و اهداف: اگر دقایقی درباره آینده در زمان حال تأمل کنیم، از ذهنیت «دل خوشی به حال و به تعویق انداختن نگرانی درباره آینده» رهایی می‌یابیم. در این حالت می‌توانیم میان اهداف و رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر رابطه و تعادلی سازنده ایجاد کنیم.
- ز) کسب اطلاعات درباره نیروهای مؤثر و ظرفیت‌ساز: از مزایای دیگر آینده‌پژوهی، کسب اطلاعات درباره نیروها و عوامل مؤثر بر حوزه مورد هدف است. شناسایی این نیروها و عوامل در توان درک و فهم آینده بسیار ضروری است.
- ح) مدیریت و نظارت راهبردی سطح تغییرات: فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر بر حوزه رخدادهای، طراحان را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد با رعایت قواعد راهبردی، برنامه‌ریزی کنند و خود یا جامعه را در برابر

تهدیدها و رخدادها و امواج معارض آماده گردانند و بر اساس آن سناریو، مدیریت تغییرات خود را تنظیم و به آن عمل کنند (فیروزآبادی، ۱۳۸۸، صص ۷۷-۷۸).

۴. ظرفیت‌شناسی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه

جهت ظرفیت‌شناسی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه با مصاحبه از صاحب‌نظران (دکتر گودرزی، دکتر پورسید آقایی، دکتر محمدهادی همایون) و جمع‌آوری برخی اسناد (کتاب و مقالات) موجود در این حوزه (در بخش محصولات معرفی گردید) کدگذاری توصیفی ناظر به سؤال اصلی پژوهش آغاز شد کدهای توصیفی انتخاب شده در این رویکرد ۵۱ کد بودند که گزارش آن به شرح ذیل است:

۴-۱. کدگذاری‌های رویکرد آینده‌نگارانه و راهبردی در حوزه مهدویت

مرحله اول: کدگذاری توصیفی

جدول ۲. کدگذاری توصیفی رویکرد آینده‌نگارانه

ردیف	بخش‌های انتخاب شده جهت کدگذاری	کدهای توصیفی
۱	محققان و اندیشمندان این حوزه در این مفاهیم و مبانی با یکدیگر اختلاف‌نظرهایی دارند و با هم دچار تعارض و بحث‌های علمی می‌شوند	اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها
۲	آینده‌نگری و آینده‌پژوهی علم نوینی است	ضرورت توجه به ظرفیت‌های علمی نوین در شناخت رویکردها
۳	امروزه مباحث استراتژیک و راهبردی جزء کاربردی‌ترین و اصولی‌ترین مباحث است، چرا باید بر روی مباحث و مطالب آینده‌پژوهی تأکید و تمرکز کنیم؟	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها
۴	در جهان امروز و بالاخص در انقلاب اسلامی چه نوعی از آینده‌پژوهی و آینده‌نگری مهم و دارای اهمیت است؟	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها

ردیف	بخش‌های انتخاب شده جهت کدگذاری	کدهای توصیفی
۵	آیا دو موضوع آینده‌نگری و مهدویت در یک حوزه قرار می‌گیرند یا اینکه در حوزه‌های متفاوتی هستند؟	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها
۶	آینده‌نگری و آینده‌پژوهی یک بحث کاملاً ارزشی است	ضرورت توجه به مباحث ارزشی در تشخیص ظرفیت‌ها
۷	آیا «آینده‌نگری دینی وجود دارد یا خیر» در خود ادبیات غربی نیز مطرح است	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها
۸	عده‌ای از افراد معتقدند که بحث آینده‌پژوهی به معنای بحث از خرافات و اوهام و سحر و جادو است	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد
۹	بلکه این مباحث هم مبتنی بر دانش بشری و مباحث آکادمیک و علمی است و هم مبتنی بر تجربه و عقل بشر است	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد
۱۰	آیا هر نوع اخبار و اطلاع از آینده را می‌توان تأیید کرد و به آن ملتزم شد	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها
۱۱	آینده‌نگری نظری که کاملاً در ورودی‌ها و مقصدش اهداف بصری را مبنا قرار می‌دهد	نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها
۱۲	آینده‌نگری الهی که نگاه آن در ورودی‌ها و مقصد نهایی الهی است	نگاه معنوی و اخلاقی در شناخت ظرفیت‌ها
۱۳	آیا این را آینده‌نگری الهی بنامیم یا دینی و یا قدسی؟	ضرورت تنوع‌بخشی به اصطلاحات مربوط به جامعه موعود
۱۴	آینده‌نگری الهی و دینی با مهدویت ارتباط دارد،	رابطه مهدویت و آینده‌نگری دینی
۱۵	حوزه اقتصاد اغلب تحت تأثیر این نوع آینده‌نگری است.	توجه اقتصاد به تحلیل روند گذشته‌محور در آینده‌نگری
۱۶	گذشته‌محور هستند	مفهوم زمان در مهدویت
۱۷	تکنیک حال‌نگر نوع دیگری از تکنیک‌های	مفهوم زمان در مهدویت

ردیف	بخش‌های انتخاب شده جهت کدگذاری	کدهای توصیفی
	آینده‌پژوهی است که در آن وضعیت حال مبنای تبیین آینده است	
۱۸	در تکنیک آینده‌محور نقطه شروع آینده است	مفهوم زمان در مهدویت
۱۹	مقصد ما در آینده‌نگری مهدوی حکومت جهانی حضرت حجت (عج) است.	توجه به هدف و مقصد مهدوی در رویکردها
۲۰	آینده‌نگری مهدوی یا آینده‌نگری «مأموریت‌محور» روش جدیدی از آینده‌پژوهی است	ضرورت تدوین نام‌های نمادین و برندسازی برای جامعه موعود
۲۱	آینده‌پژوهی که به آن استراتژی خشتی نیز می‌گویند	ضرورت تدوین نام‌های نمادین و برندسازی برای جامعه موعود
۲۲	آینده‌پژوهی علمی پایه برای علم و تفکر استراتژیک محسوب می‌شود	ضرورت توجه به ظرفیت‌های علمی نوین در شناخت رویکردها
۲۳	درباره ارتباط میان مهدویت با آینده‌نگری و آینده‌پژوهی سه دیدگاه وجود دارد	سطوح مختلف ظرفیت‌ها
۲۴	رابطه تباین	سطوح مختلف ظرفیت‌ها
۲۵	مهدویت یک امر قطعی و حتمی است	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها
۲۶	آینده‌پژوه یک چیز را پذیرفته و آن هم خطاست	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری
۲۷	مصلحت الهی	نگاه به مصلحت‌های معنوی و الهی در رویکردها
۲۸	رابطه تساوی	سطوح مختلف ظرفیت‌ها
۲۹	در دایره علم الهی خطایی امکان وقوع ندارد، این خطا از منظر بیننده بوده و مجاز است.	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری
۳۰	رابطه عموم و خصوص من وجه	سطوح مختلف ظرفیت‌ها
۳۱	نگاه آینده‌نگرانه به مباحث مهدویت می‌تواند یک رویکرد باشد، رویکردی همانند رویکرد کلامی،	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت

ردیف	بخش‌های انتخاب شده جهت کدگذاری	کدهای توصیفی
	سیاسی، قومی و تمدنی.	
۳۲	برخی دیگر معتقدند که ما در زمان غیبت در برابر مشکلات و مسائل تکلیف و وظیفه‌ای نداریم و باید تنها راه خود را ادامه دهیم و حضرت حجت با ظهور خود تمام مسائل و مشکلات را از اصل و اساس اصلاح می‌کند.	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها
۳۳	مهدویت به عنوان یک افق راه و ستاره راهنما در بحث آینده‌پژوهی و آینده‌نگری استفاده کرد	رابطه مهدویت و آینده‌نگری دینی
۳۴	زبان مشترک ادیان	توجه به نوع ارتباطات رویکردها با مهدویت
۳۵	پایه‌های اعتقادی تفکر موعودگرایان	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور
۳۶	غیبت فلسفه حیات	اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها
۳۷	مدلسازی خود را در زمینه نحوه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را اصلاح نماید.	توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی
۳۸	یکی از مبتکرین حوزه مدیریت استراتژیک می‌نویسد	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد
۳۹	نشانه‌ها، علائم و حوادث آخرالزمان یکی از موضوعات بسیار امیدبخش	ضرورت امیدبخشی در اجتماع برای تحقق جامعه مهدوی
۴۰	خواه ناخواه هر کسی به دنبال تطبیق نشانه‌های ظهور است	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها
۴۱	نباید نقش خداوند و اراده او را نادیده گرفت	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور
۴۲	در گذشته آینده‌پژوهی به عنوان «شناخت آینده» به کار برده می‌شد ولی امروزه این مفهوم به معنای	نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها

ردیف	بخش‌های انتخاب شده جهت کدگذاری	کدهای توصیفی
	«ساخت آینده» است	
۴۳	در گذشته آینده‌پژوهی به عنوان «شناخت آینده» به کار برده می‌شد ولی امروزه این مفهوم به معنای «ساخت آینده» است	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد
۴۴	هر ناکارآمدی و اشتباهی متعلق به حضرت حجت است، چون مدیریت جهان به دست ایشان است	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها
۴۵	زمینه‌سازی باید اثربخش نیز باشد چون در این صورت فایده‌ای ندارد	توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود
۴۶	در تفکر مهدوی ساخت آینده به معنای زمینه‌سازی است	نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها
۴۷	زمینه‌سازی دارای سه عنصر فعالیت، هدفمندی و اثربخشی است	ضرورت شناخت عناصر تشکیل‌دهنده رویکردها جهت ظرفیت‌شناسی
۴۸	در مهدویت خطایی راه ندارد و آن شهر آرمانی در این تفکر قطعی‌الوقوع است.	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها
۴۹	این مباحث را باید آینده‌پژوهی نامید یا آینده‌نگری، اما در اینجا مقصود بنده آینده‌نگری است نه آینده‌پژوهی	اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها
۵۰	باید میان تفکر مهدویت با مطالعات مهدویت تفاوت قائل شد	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها
۵۱	هدفی که از آینده‌نگری و آینده‌پژوهی استخراج می‌شود	توجه به هدف و مقصد مهدوی در رویکردها

مرحله دوم: کدگذاری تفسیری

کدگذاری در این مرحله با توجه به نظام‌های هشتگانه‌ای که قبلاً انتخاب گردیده است، بر روی کدهای توصیفی اعمال شده است. برخی از کدهای توصیفی با توجه به ابعاد کلانی که دارند در تمامی نظام‌های هشتگانه تمدن‌سازی قرار می‌گیرند، لذا تمامی

کدهای تفسیری به نوعی در رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه درگیر می‌باشند ولی وزن هر کدام متفاوت و تعیین‌کننده است که در مرحله بعدی کدگذاری به آن‌ها توجه خواهد شد. در برخی از کدهای توصیفی که به چندین نظام (کدتفسیری) مرتبط می‌شوند، جهت جلوگیری از تکرار کدهای تفسیری در تحلیل، سعی بر آن است که «مهمترین نظام یا نظام‌ها» انتخاب شود. کدهای تفسیری اعمال شده جهت رویکرد آینده‌نگارانه در جدول زیر قابل نمایش است:

جدول ۳. کدهای تفسیری رویکرد آینده‌نگارانه

ردیف	کدهای توصیفی	کدهای تفسیری بر اساس نظام‌های هشنگانه
۱	اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری
۲	ضرورت توجه به ظرفیت‌های علمی نوین در شناخت رویکردها	نظام دانشی و فناوری
۳	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری
۴	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری
۵	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری
۶	ضرورت توجه به مباحث ارزشی در تشخیص ظرفیت‌ها	نظام معنوی و عبادی
۷	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری
۸	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد	نظام دانشی و فناوری
۹	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد	نظام دانشی و فناوری
۱۰	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	همه نظام‌ها
۱۱	نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری
۱۲	نگاه معنوی و اخلاقی در شناخت ظرفیت‌ها	نظام معنوی و عبادی / تربیتی و اخلاقی
۱۳	ضرورت تنوع‌بخشی به اصطلاحات مربوط به جامعه موعود	نظام فرهنگی و هنری / ارتباطی
۱۴	رابطه مهدویت و آینده‌نگری دینی	نظام اجتماعی / سیاسی و حقوقی
۱۵	توجه اقتصاد به تحلیل روند گذشته محور در آینده‌نگری	نظام اقتصادی

ردیف	کدهای توصیفی	کدهای تفسیری بر اساس نظام‌های هشتگانه
۱۶	مفهوم زمان در مهدویت	نظام اجتماعی/سیاسی و حقوقی
۱۷	مفهوم زمان در مهدویت	نظام اجتماعی/سیاسی و حقوقی
۱۸	مفهوم زمان در مهدویت	نظام اجتماعی/سیاسی و حقوقی
۱۹	توجه به هدف و مقصد مهدوی در رویکردها	نظام دانشی و فناوری
۲۰	ضرورت تدوین نام‌های نمادین و برندسازی برای جامعه موعود	نظام فرهنگی و هنری/ارتباطی
۲۱	ضرورت تدوین نام‌های نمادین و برندسازی برای جامعه موعود	نظام فرهنگی و هنری/ارتباطی
۲۲	ضرورت توجه به ظرفیت‌های علمی نوین در شناخت رویکردها	نظام دانشی و فناوری
۲۳	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها
۲۴	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها
۲۵	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	همه نظام‌ها
۲۶	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری	نظام اجتماعی/سیاسی و حقوقی
۲۷	نگاه به مصلحت‌های معنوی و الهی در رویکردها	نظام معنوی و عبادی
۲۸	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها
۲۹	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری	نظام اجتماعی/سیاسی و حقوقی
۳۰	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها
۳۱	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	همه نظام‌ها
۳۲	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها
۳۳	رابطه مهدویت و آینده‌نگری دینی	نظام اجتماعی/سیاسی و

کدهای توصیفی	کدهای تفسیری بر اساس نظام‌های هشنگانه	ردیف
	حقوقی	
توجه به نوع ارتباطات رویکردها با مهدویت	نظام ارتباطی	۳۴
توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	نظام معنوی و عبادی / تربیتی و اخلاقی / اجتماعی	۳۵
اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری	۳۶
توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی	نظام دانشی و فناوری / سیاسی و حقوقی / اجتماعی / ارتباطی	۳۷
محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد	نظام دانشی و فناوری	۳۸
ضرورت امیدبخشی در اجتماع برای تحقق جامعه مهدوی	نظام سیاسی و حقوقی / اجتماعی	۳۹
توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها	۴۰
توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	نظام معنوی و عبادی / تربیتی و اخلاقی	۴۱
نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری	۴۲
محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد	نظام دانشی و فناوری	۴۳
توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	همه نظام‌ها	۴۴
توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود	نظام دانشی و فناوری / اجتماعی / ارتباطی	۴۵
نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری	۴۶
ضرورت شناخت عناصر تشکیل دهنده رویکردها جهت ظرفیت شناسی	نظام دانشی و فناوری	۴۷
توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	همه نظام‌ها	۴۸
اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری	۴۹
تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها	نظام دانشی و فناوری	۵۰
توجه به هدف و مقصد مهدوی در رویکردها	نظام دانشی و فناوری	۵۱

جدول ۴. کدهای تفسیری تفکیک شده

کدهای تفسیری (نظام‌های هشتگانه)		کدهای توصیفی	
نظام دانشی و فناوری	اهمیت تبیین مفاهیم در تشخیص ظرفیت‌ها	ضرورت توجه به ظرفیت‌های علمی نوین در شناخت رویکردها	تأثیر تنقیح مبانی در شناخت بهتر ظرفیت‌ها
	محدود نبودن تعریف یک رویکرد به یک تعریف واحد	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	نگاه علمی و نظری در شناخت ظرفیت‌ها
	توجه به هدف و مقصد مهدوی در رویکردها	ضرورت توجه به ظرفیت‌های علمی نوین در شناخت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها
	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت
	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها
	توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود	ضرورت شناخت عناصر تشکیل‌دهنده رویکردها جهت ظرفیت‌شناسی	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها
نظام اجتماعی	رابطه مهدویت و آینده‌نگری دینی	مفهوم زمان در مهدویت	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها
	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری
	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها
	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها
نظام سیاسی و حقوقی	ضرورت امیدبخشی در اجتماع برای تحقق جامعه مهدوی	توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود	
	رابطه مهدویت و آینده‌نگری دینی	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	مفهوم زمان در مهدویت
	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	توجه به اصل خطا در رابطه مهدویت و آینده‌نگری

کدهای توصیفی			کدهای تفسیری (نظام‌های هشنگانه)
توجه به مدلهای مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	
	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	ضرورت امیدبخشی در اجتماع برای تحقق جامعه مهدوی	
توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	ضرورت تنوع‌بخشی به اصطلاحات مربوط به جامعه موعود	توجه به نوع ارتباطات رویکردها با مهدویت	نظام ارتباطی
توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	
توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	توجه به مدلهای مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی	توجه به نوع ارتباطات رویکردها با مهدویت	
سطوح مختلف ظرفیت‌ها	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	ضرورت تنوع‌بخشی به اصطلاحات مربوط به جامعه موعود	
توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	
	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	توجه به مدلهای مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی	
نگاه معنوی و اخلاقی در شناخت ظرفیت‌ها	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	ضرورت توجه به مباحث ارزشی در تشخیص ظرفیت‌ها	
نگاه به مصلحت‌های معنوی و الهی در رویکردها	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	
توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	نظام معنوی و عبادی
توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	
نگاه معنوی و اخلاقی در شناخت ظرفیت‌ها	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	ضرورت توجه به مباحث ارزشی در تشخیص ظرفیت‌ها	
نگاه به مصلحت‌های معنوی و الهی در رویکردها	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	

کدهای توصیفی			کدهای تفسیری (نظام‌های هشنگانه)
تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	نظام اخلاقی و تربیتی
نگاه معنوی و اخلاقی در شناخت ظرفیت‌ها	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	
توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	
تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	
نگاه معنوی و اخلاقی در شناخت ظرفیت‌ها	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	توجه به پایه‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه ظهور	
توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها		
ضرورت تنوع بخشی به اصطلاحات مربوط به جامعه موعود	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	نظام فرهنگی و هنری
توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	نظام اقتصادی
توجه اقتصاد به تحلیل روند گذشته محور در آینده‌نگری	توجه به اعتبارسنجی ظرفیت رویکردها	سطوح مختلف ظرفیت‌ها	
توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها	تنوع بسیار زیاد ابعاد مهدویت	توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌ها	

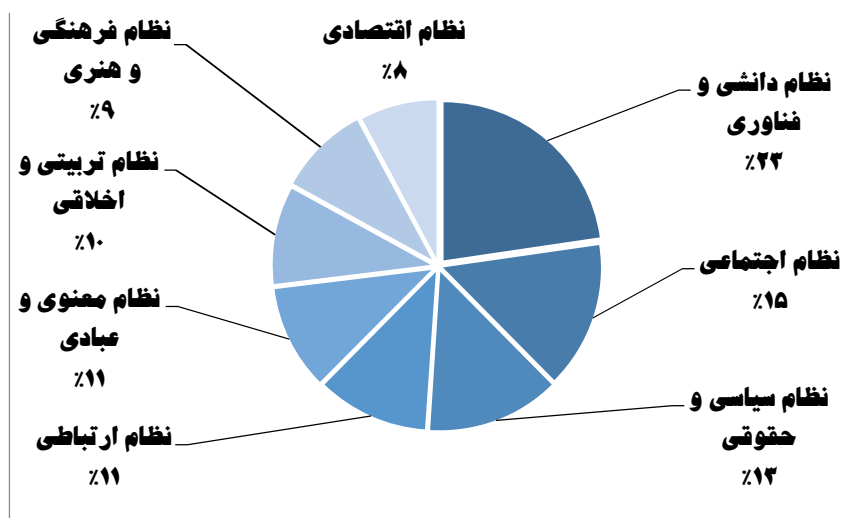
جدول ۵. گزارش و جمع‌بندی کدگذاری تفسیری

کدهای تفسیری	فراوانی کدهای تفسیری	درصد فراوانی	وزن کدهای تفسیری
نظام دانشی و فناوری	۳۲	۲۳	۸
نظام اجتماعی	۲۱	۱۵	۷
نظام سیاسی و حقوقی	۱۹	۱۳	۶
نظام ارتباطی	۱۶	۱۱	۵

کدهای تفسیری	فراوانی کدهای تفسیری	درصد فراوانی	وزن کدهای تفسیری
نظام معنوی و عبادی	۱۵	۱۱	۴
نظام تربیتی و اخلاقی	۱۴	۱۰	۳
نظام فرهنگی و هنری	۱۳	۹	۲
نظام اقتصادی	۱۱	۸	۱
مجموع	۱۶۸	۱۰۰	-----

مرحله سوم: کدگذاری فراگیر و یکپارچه‌ساز

بعد از مشخص شدن فراوانی کدهای تفسیری در مرحله قبل، در این مرحله کدهای تفسیری که وزن بیشتری را به خود اختصاص داده است در واقع کدهای فراگیر و یکپارچه‌ساز می‌باشند که در ظرفیت‌شناسی تمدنی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه در حوزه مهدویت، تمامی نظام‌های هشتگانه تمدن‌ساز، حضور دارند ولی به ترتیب؛ نظام دانشی و فناوری، نظام اجتماعی، نظام سیاسی و حقوقی، نظام ارتباطی و نظام معنوی و عبادی؛ نقش پررنگ‌تر و فراگیری را به خود اختصاص می‌دهند. نمودار کدگذاری فراگیر و یکپارچه‌ساز در تصویر زیر قابل نمایش است:



نمودار ۱. نمودار کدگذاری فراگیر و یکپارچه‌ساز رویکرد آینده‌نگارانه و راهبردی

۴-۲. تحلیل کیفی خرده نظام‌های تمدن‌ساز رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه

نظام اول: نظام دانشی و فناوری

اگر بخواهیم در راستای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق به تحلیل و جمع‌بندی ظرفیت تمدنی رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه به مهدویت بپردازیم، باید بگوییم که در این رویکرد در وجه دانشی (فناوری)، تنقیح مبانی آموزه‌های مهدویت نظیر تفاوت و تمایز میان «تفکر مهدویت» و «مطالعات مهدویت» و تبیین مفاهیم و تعاریف علمی رویکردها و رفع تعارض و اختلاف‌نظرهایی که در این زمینه وجود دارد همانند اختلاف در معنای آینده‌نگری و آینده‌پژوهی، در تشخیص ظرفیت رویکردها تأثیر بسزایی دارند و ما را در شناخت آن‌ها یاری می‌رسانند، البته این تعاریف محدود و منحصر به یک تعریف واحد نیست بلکه امکان درک‌های مختلف و متفاوتی از آن‌ها وجود دارد، مثلاً اینکه در گذشته آینده‌پژوهی به عنوان شناخت آینده معنا می‌شد ولی امروزه این مفهوم به معنای ساخت آینده است.

نظام دانشی و فناوری رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه در حوزه مهدویت به ما می‌آموزاند که مهدویت دارای سطوح مختلفی است که بایستی میان آن‌ها تمایز قائل شد و متناسب با هر یک از آن‌ها برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت تحقق تمدن موعود انجام داد؛ همچنین رویکرد آینده‌پژوهانه از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند ابعاد گوناگون و متنوع آموزه‌های مهدویت را در بُعد دانشی (فناوری) به ما نشان دهد. با توجه به اینکه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری علم نوینی است که از ظرفیت‌های بالایی برخوردار است، توجه به این ظرفیت‌ها در نظام دانشی (فناوری) رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه و در راستای شناخت رویکردهای مهدوی امری مهم و ضروری است. علاوه بر این، در این نظام وجود نگاهی علمی و نظری به رویکردها و شناخت عناصر تشکیل‌دهنده رویکردهای مهدوی (در رویکرد آینده‌پژوهانه به آموزه‌های مهدویت، ساخت آینده به معنای زمینه‌سازی است و زمینه‌سازی خود دارای سه عنصر «فعالیت»، «هدفمندی» و «اثربخشی» است)، در ظرفیت‌سنجی و ظرفیت‌شناسی رویکردها تأثیرگذار خواهد بود.

از آنجا که همه ظرفیت‌های رویکردها قطعی و حتمی نیستند و گاهی برخی از آن‌ها

محتمل و غیرقطعی‌اند، لذا توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها و سنجش اعتبار آنها، از جمله ظرفیت‌های نظام دانشی رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه در جهت تحقق تمدن موعود است. همچنین در راستای رسیدن به این هدف، در نظر گرفتن آسیب‌ها و موانع شناخت رویکردها و توجه به هدف و مقصد مهدوی در رویکردها که همان حکومت جهانی حضرت حجت (علیه السلام) است نیز ظرفیت‌های دیگر این نظام محسوب می‌شود.

از منظر رویکرد آینده‌پژوهانه، برای رسیدن به تمدن مطلوب بایستی مدل و الگوی حرکت خود را از وضع موجود به وضع مطلوب اصلاح کرد و از مدل‌ها و الگوهای مقبول در این زمینه بهره گرفت، از این رو توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی یکی از ظرفیت‌های نظام دانشی در این رویکرد است؛ افزون بر این، توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود نیز یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری است، چون اگر اثربخشی وجود نداشته باشد، وجود این رویکردها در مسیر تحقق تمدن موعود هیچ تأثیری نخواهد داشت.

نظام دوم: نظام اجتماعی

همانند نظام اول که ظرفیت دانشی و فناوری رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه را نشان داد، اگر بخواهیم با عطف به پرسش اصلی تحقیق به تحلیل و جمع‌بندی ظرفیت‌های تمدنی این رویکرد بپردازیم، باید بگوییم که رویکرد آینده‌پژوهانه در وجه اجتماعی از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند ابعاد گوناگون و متنوع آموزه مهدویت را در بُعد اجتماعی به ما نشان دهد و نیز به ما می‌آموزاند که مهدویت لایه‌های مختلفی دارد که باید میان آنها تمایز قائل شد و متناسب با هر یک از این لایه‌ها و سطوح، برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت تحقق تمدن موعود انجام داد. افزون بر این در رویکرد آینده‌پژوهانه به آموزه‌های مهدویت، مفهوم زمان یکی از مؤلفه‌های اصلی این رویکرد است، به گونه‌ای که یکی از تقسیم‌بندی‌های موجود در تکنیک‌های این رویکرد بر حسب زمان است: تکنیک گذشته‌محور، تکنیک حال‌محور و تکنیک آینده‌محور. در نظام اجتماعی تمدن موعود، آموزه مهدویت با آینده‌نگری الهی و دینی ارتباط

دارد، یعنی اینکه مهدویت به عنوان افق راه و ستاره راهنما در بحث آینده‌پژوهی و آینده‌نگری مورد استفاده قرار می‌گیرد، منتها بایستی در این رابطه به اصل خطا توجه شود، به این معنا که باید در نظر داشت که در آینده‌پژوهی اصل خطا یکی از اصول مسلم و حتمی است که آینده‌پژوه آن را پذیرفته است اما در دایره علم الهی و در آموزه مهدویت امکان وقوع هیچ خطایی وجود ندارد.

توجه به پایه‌ها و ریشه‌های اعتقادی و اخلاقی تفکر موعودگرایان در جامعه ظهور، توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت‌های رویکردها و سنجش اعتبار آن‌ها و همچنین توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌های رویکردهای مهدوی از دیگر ظرفیت‌های نظام اجتماعی در رویکرد آینده‌پژوهانه و در جهت تحقق تمدن مطلوب مهدوی است. علاوه بر این، برای تحقق جامعه مهدوی و شکل‌گیری تمدن موعود ضروری است که از طریق آموزه‌های مهدویت در اجتماع و در میان افراد جامعه امیدواری ایجاد کرد، مثلاً با بهره‌گیری از نشانه‌ها، علائم و حوادث آخرالزمان که موضوعات بسیار امیدبخشی هستند، امیدواری را در جامعه افزایش داد.

از منظر رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه، برای رسیدن به تمدن مطلوب بایستی مدل و الگوی حرکت خود را از وضع موجود به وضع مطلوب اصلاح کرد و از مدل‌ها و الگوهای مقبول در این زمینه بهره گرفت، از این‌رو توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی یکی از ظرفیت‌های نظام دانشی در این رویکرد است؛ افزون بر این، توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود نیز یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری است، چون اگر اثربخشی وجود نداشته باشد، وجود این رویکردها در مسیر تحقق تمدن موعود هیچ تأثیری نخواهد داشت.

نظام سوم: نظام سیاسی و حقوقی

همانند نظام‌های قبلی اگر بخواهیم با عطف به پرسش اصلی تحقیق به تحلیل و جمع‌بندی ظرفیت‌های تمدنی این رویکرد بپردازیم، باید بگوییم که رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه در وجه سیاسی و حقوقی از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند ابعاد گوناگون و متنوع آموزه مهدویت را در بُعد سیاسی و حقوقی به ما نشان دهد و نیز به

ما می‌آموزاند که مهدویت لایه‌های مختلفی دارد که باید میان آن‌ها تمایز قائل شد و متناسب با هر یک از این لایه‌ها و سطوح، برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت تحقق تمدن موعود انجام داد. افزون بر این در رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه به آموزه‌های مهدویت و در وجه سیاسی و حقوقی، مفهوم زمان یکی از مؤلفه‌های اصلی این رویکرد است، به گونه‌ای که یکی از تقسیم‌بندی‌های موجود در تکنیک‌های این رویکرد بر حسب زمان است: تکنیک گذشته‌محور، تکنیک حال‌محور و تکنیک آینده‌محور.

از آنجا که همه ظرفیت‌های رویکردها قطعی و حتمی نیستند و گاهی برخی از آن‌ها محتمل و غیرقطعی‌اند، لذا توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها و سنجش اعتبار آن‌ها، از جمله ظرفیت‌های نظام سیاسی و حقوقی رویکرد آینده‌پژوهانه در جهت تحقق تمدن موعود است. همچنین در راستای رسیدن به این هدف، در نظر گرفتن آسیب‌ها و موانع شناخت رویکردها نیز ظرفیت دیگر این نظام محسوب می‌شود.

همان‌طور که در مباحث قبل نیز اشاره شد، از منظر رویکرد آینده‌پژوهانه، برای رسیدن به تمدن مطلوب بایستی مدل و الگوی حرکت خود را از وضع موجود به وضع مطلوب اصلاح کرد و از مدل‌ها و الگوهای مقبول در این زمینه بهره گرفت، از این‌رو توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی یکی از ظرفیت‌های نظام دانشی در این رویکرد است؛ افزون بر این، توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود نیز یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری است، چون اگر اثربخشی وجود نداشته باشد، وجود این رویکردها در مسیر تحقق تمدن موعود هیچ تأثیری نخواهد داشت.

در نظام سیاسی و حقوقی تمدن موعود، آموزه مهدویت با آینده‌نگری الهی و دینی ارتباط دارد یعنی اینکه مهدویت به عنوان افق راه و ستاره راهنما در بحث آینده‌پژوهی و آینده‌نگری مورد استفاده قرار می‌گیرد، منتها بایستی در این رابطه به اصل خطا توجه شود، به این معنا که باید در نظر داشت که در آینده‌پژوهی اصل خطا یکی از اصول مسلم و حتمی است که آینده‌پژوه آن را پذیرفته است اما در دایره علم الهی و در آموزه مهدویت امکان وقوع هیچ خطایی وجود ندارد.

نظام چهارم: نظام ارتباطی

نظیر آنچه در نظام‌های قبلی بیان شد، اگر بخواهیم با عطف به پرسش اصلی تحقیق به تحلیل و جمع‌بندی ظرفیت‌های تمدنی این رویکرد پردازیم، باید بگوییم که رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه در وجه ارتباطی از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند در راستای تحقق تمدن موعود به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت رویکردها (با توجه به اینکه همه ظرفیت‌های رویکردها قطعی و حتمی نیستند بلکه برخی محتمل و عدم قطعی هستند) و سنجش اعتبار آن‌ها و همچنین آسیب‌ها و موانع شناخت رویکردها توجه نماید و آن‌ها را به ما بنمایاند.

نظام ارتباطی رویکرد آینده‌پژوهانه می‌تواند ابعاد گوناگون و متنوع آموزه مهدویت را در بُعد ارتباطی به ما نشان دهد و نیز به ما می‌آموزاند که مهدویت لایه‌های مختلفی دارد که باید میان آن‌ها تمایز قائل شد و متناسب با هر یک از این لایه‌ها و سطوح، برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت تحقق تمدن موعود انجام داد.

ضروری است که نظام ارتباطی رویکرد آینده‌پژوهانه در مسیر تحقق تمدن مطلوب مهدوی، تنوعی در اصطلاحات مربوط به جامعه موعود و در مطالعات مهدوی ایجاد نماید و اصطلاحات و مفاهیم مختلف و متعددی را در این حوزه وارد نماید، نظیر تقسیم آینده‌پژوهی به آینده‌پژوهی الهی، دینی و قدسی، همچنین به تدوین و نگارش نام‌های نمادین همانند استراتژی خشتی یا آینده‌نگری مأموریت‌محور برای جامعه موعود پردازد و به تعبیری برای این جامعه برندسازی نماید. علاوه بر این، توجه به نوع ارتباطات رویکردها با آموزه مهدویت یکی دیگر از ظرفیت‌های این نظام در راستای رسیدن به این هدف است، یعنی برای دستیابی به تمدن مهدوی، نظام ارتباطی رویکرد آینده‌پژوهانه نوع ارتباط هر یک از رویکردها را با آموزه مهدویت در نظر گرفته و مورد بررسی قرار می‌دهد.

همان‌طور که در مباحث قبل نیز اشاره شد، از منظر رویکرد آینده‌پژوهانه، برای رسیدن به تمدن مطلوب بایستی مدل و الگوی حرکت خود را از وضع موجود به وضع مطلوب اصلاح کرد و از مدل‌ها و الگوهای مقبول در این زمینه بهره گرفت، از این‌رو توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی یکی از ظرفیت‌های نظام ارتباطی در این رویکرد است.

نظام پنجم: نظام معنوی و عبادی

همانند آنچه که در نظام‌های قبلی بیان شد، اگر بخواهیم با عطف به پرسش اصلی تحقیق به تحلیل و جمع‌بندی ظرفیت‌های تمدنی این رویکرد پردازیم، باید گفت که رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه در وجه معنوی و عبادی به ما می‌آموزاند که مهدویت دارای سطوح مختلفی است که بایستی میان آن‌ها تمایز قائل شد و متناسب با هریک از آن‌ها برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت تحقق تمدن موعود انجام داد. همچنین رویکرد آینده‌پژوهانه از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند ابعاد گوناگون و متنوع آموزه‌های مهدویت را در بُعد معنوی و عبادی به ما نشان دهد.

با توجه به اینکه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری یک بحث ارزش‌محور است، ضروری است که در رویکرد آینده‌پژوهانه در وجه معنوی و عبادی و در جهت تشخیص و شناسایی ظرفیت‌های رویکردها در مسیر تحقق موعود، مباحث ارزشی مورد توجه قرار گیرد و در مباحث و مطالعات مهدوی از آن‌ها استفاده شود. علاوه بر این وجود نگاه‌های معنوی و اخلاقی در رویکرد آینده‌پژوهانه و نگاه به مصلحت‌های معنوی و الهی در این رویکرد، ما را در شناخت هر چه بهتر ظرفیت‌های رویکردهای مهدوی یاری می‌رساند.

همان‌طور که در نظام‌های قبلی نیز اشاره شد، توجه به پایه‌ها و ریشه‌های اعتقادی و اخلاقی تفکر موعودگرایانه در جامعه ظهور، توجه به قطعیت و عدم قطعیت ظرفیت‌های رویکردها و سنجش اعتبار آن‌ها و همچنین توجه به آسیب‌ها و موانع شناخت ظرفیت‌های رویکردهای مهدوی از دیگر ظرفیت‌های نظام اجتماعی در رویکرد راهبردی و آینده‌پژوهانه در جهت تحقق تمدن مطلوب مهدوی است.

نظام ششم تا هشتم: نظام‌های تربیتی و اخلاقی، فرهنگی و هنری و اقتصادی

همانند آنچه در نظام‌های قبلی بیان شد، اگر بخواهیم با عطف به پرسش اصلی تحقیق به تحلیل و جمع‌بندی ظرفیت‌های تمدنی این رویکرد پردازیم، باید بگوییم که رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه در وجه تربیتی و اخلاقی، فرهنگی و هنری و اقتصادی از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند در راستای تحقق تمدن موعود به قطعیت و عدم

قطعیّت ظرفیت رویکردها (با توجه به اینکه همه ظرفیت‌های رویکردها قطعی و حتمی نیستند بلکه برخی محتمل و عدم قطعی هستند) و سنجش اعتبار آن‌ها و همچنین آسیب‌ها و موانع شناخت رویکردها توجه نماید و آن‌ها را به ما بنمایاند.

نشان دادن ابعاد گوناگون و متنوع آموزه مهدویت در بُعد اخلاقی و تربیتی و فرهنگی و هنری و اقتصادی یکی دیگر از ظرفیت‌های رویکردهای آینده‌پژوهانه در جهت تحقق تمدن موعود است. همچنین این رویکرد به ما می‌آموزاند که مهدویت لایه‌های مختلفی دارد که باید میان آن‌ها تمایز قائل شد و متناسب با هر یک از این لایه‌ها و سطوح، برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت رسیدن به تمدن مهدوی انجام داد.

علاوه بر این در نظام اخلاقی و تربیتی، وجود نگاه‌های معنوی و اخلاقی در رویکرد آینده‌نگارانه و نگاه به مصلحت‌های معنوی و الهی در این رویکرد و همچنین توجه به پایه‌ها و ریشه‌های اعتقادی و اخلاقی تفکر موعودگرایانه در جامعه ظهور، ما را در شناخت هر چه بهتر ظرفیت‌های رویکردهای مهدوی یاری می‌رساند.

در جهت تحقق تمدن مطلوب مهدوی ضروری است که نظام فرهنگی و هنری رویکرد آینده‌نگارانه، تنوعی در اصطلاحات مربوط به جامعه موعود و در مطالعات مهدوی ایجاد کرده و اصطلاحات و مفاهیم مختلف و متعددی در این حوزه وارد نماید، همچنین به تدوین و نگارش نام‌های نمادین همانند استراتژی خنثی یا آینده‌نگری مأموریت‌محور برای جامعه موعود پردازد و به تعبیری برای این جامعه برندسازی نماید.

با توجه به اینکه یکی از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در آموزه مهدویت تکنیک و روش «تحلیل روند» است که در آن با مبنا قرار دادن گذشته، به بررسی و تحلیل وقایع و اتفاقات آینده می‌پردازد، نظام اقتصادی رویکرد آینده‌پژوهانه با استفاده فراوان از این تکنیک، از این ظرفیت برخوردار است که می‌تواند در جهت تحقق تمدن موعود به تحلیل و بررسی روند گذشته پردازد تا مسیر حرکت به سمت جلو را تسهیل نماید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید که ابتدا با استفاده از شناسنامه علمی با چارچوب تعریف

شده‌ای که از «رئوس ثمانیه» علم منطق عاریه گرفته شد به معرفی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه در حوزه مهدویت بپردازیم. بر این اساس در شناسنامه علمی، به «نام رویکرد»، «تعریف رویکرد»، «پایه‌گذار، پیشینه و سیر تحول رویکرد»، «قلمرو موضوع و محتوای رویکرد»، «محصولات رویکرد» و «هدف و کارکرد رویکرد» پرداخته شد. طبق این شناسنامه علمی، رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه یک رویکرد «مأموریت محور» می‌باشد که قائل به یک رسالت و افقی است که می‌بایست در آینده به آن رسید. برای دسترسی به این افق از آینده، از حال و گذشته نیز استفاده می‌شود. اولین ظرفیت مهم مهدویت در این عرصه، چهره دقیق و شفاف است که بر خلاف آینده‌نگری آکادمیک، به مردم و بشریت ارائه می‌دهد.

سپس در بخش دوم مقاله به ظرفیت‌شناسی این رویکرد برای تحقق‌بخشی به تمدن نوین اسلامی پرداخته شد و بر اساس یافته‌های به‌دست آمده در این ظرفیت‌شناسی، سهم «نظام دانشی و فناوری» در این رویکرد با ۲۳ درصد، سهم وزین و قابل توجهی را به خود اختصاص داده بود. علاوه بر این، در این رویکرد ساخت آینده به معنای زمینه‌سازی است و زمینه‌سازی خود دارای سه عنصر «فعالیت»، «هدفمندی» و «اثربخشی» تعریف شده است که این مطلب نیز یک بحث علمی و نظری است.

از منظر رویکرد آینده‌پژوهانه، برای رسیدن به تمدن مطلوب بایستی مدل و الگوی حرکت خود را از وضع موجود به وضع مطلوب اصلاح کرد و از مدل‌ها و الگوهای مقبول در این زمینه بهره گرفت، از این‌رو توجه به مدل‌های مطلوب برای رسیدن به تمدن مهدوی نیز یک بحث کاملاً دانشی بوده و افزون بر این، توجه به اثربخشی رویکردها در تحقق جامعه موعود نیز یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری دانسته شده است که توجه به این مسائل نیز اهمیت و سهم بالای نظام دانشی و فناوری را در رویکرد آینده‌نگارانه و راهبردی نشان می‌دهد.

در نهایت مشخص شد که بیشترین ظرفیت تمدنی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه بعد از نظام دانشی و فناوری به ترتیب در نظام‌های «اجتماعی»، «سیاسی و حقوقی»، «معنوی و عبادی»، «تربیتی و اخلاقی»، «فرهنگی و هنری»، «ارتباطی» و «اقتصادی» جهت حرکت به سمت تمدن مهدوی، اختصاص خواهند داشت.

یادداشت‌ها

1. Approach
2. Attitude
3. Thematic Analysis

کتابنامه

- الویری، محسن و برزویی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی»، مشرق موعود، شماره ۳۴، صص ۵۵-۸۲.
- الهی نژاد، حسین (۱۳۸۶)، «آینده‌نگری و فرجام تاریخ بشر»، انتظار موعود، شماره ۲۱، صص ۸۱-۱۲۲.
- الهی نژاد، حسین (۱۳۹۱)، «مهدویت، فرجام تنازع حق و باطل»، انتظار موعود، شماره ۳۹، صص ۱۰۵-۱۳۸.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، کاوشی‌های نظری در الهیات و تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بهر روز لک، غلامرضا (۱۳۸۷)، «مهدویت، آینده‌پژوهی و مهندسی فرهنگی»، انتظار موعود، شماره ۲۷، صص ۳ و ۴.
- پور سیدآقایی، مسعود (۱۳۸۴)، «دولت زمینه‌ساز»، انتظار موعود، شماره ۱۵، صص ۵-۱۸.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲)، «ضرورت توسعه فرهنگ عدالت‌پذیر برای نیل به جامعه عدل موعود»، انتظار موعود، شماره ۸، صص ۱۵۱-۱۶۸.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۱)، «تجلی نام امام مهدی (عج) بر ساخت واقعیت آینده»، انتظار موعود، شماره ۳۸، صص ۲۹-۴۸.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، مهدویت و آینده‌پژوهی: مجموعه مقالات، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، سید محمد (۱۳۷۴)، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

- خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۶)، «آینده ادیان در چشم‌انداز جهانی»، انتظار موعود، شماره ۲۱، صص ۵۳-۸۰.
- خوانساری، محمد (۱۳۶۳)، منطق صوری، تهران: انتشارات آگاه.
- طوسی، محمد (۱۴۱۱ق)، الغیبة، تحقیق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- عرفان، امیرحسین (۱۳۹۰)، تبیین ضرورت‌های رویکرد راهبردی به آموزه مهدویت، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۳، صص ۵-۳۸.
- عظیمی، سید علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان‌بینی اسلامی»، انتظار موعود، شماره ۲۹، صص ۸۳-۱۱۰.
- علی‌اکبری، راضیه (۱۳۹۲)، «آینده‌پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی»، انتظار موعود، شماره ۴۰، صص ۱۴۳-۱۶۴.
- غفاریان، وفا؛ علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۸۲)، «تفکر استراتژیک»، تدبیر، شماره ۱۳۷، صص ۳۳-۳۸.
- فیروزآبادی، سید حسن (۱۳۸۸)، قیام مهدی (علیه‌السلام) منتظر ماست، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- قربانی، سعید (۱۳۹۲)، «تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی»، انتظار موعود، شماره ۴۰، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۸)، «آینده‌پژوهی مهدوی»، انتظار موعود، شماره ۲۸، صص ۶۵-۱۰۶.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۹)، «آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن»، انتظار موعود، شماره ۳۲، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- کارگر، رحیم (۱۳۹۲)، «مهدویت و جایگاه آن در چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده‌پژوهی)»، انتظار موعود، شماره ۴۰، صص ۹۷-۱۲۲.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری استراتژیک؛ مطالعه موردی: رویکرد موعودگرای شیعه، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹)، افق جهانی و مدیریت راهبردی موعودگرا، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۲)، رویکرد آینده‌نگارانه و رویکرد راهبردی در حوزه مهدویت، ارائه شده در نشست علمی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
محمودی، مهدی؛ عباسی، عطا (۱۳۸۴)، آینده‌پژوهی و نقش آن در سیاست‌گذاری علم و فناوری، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۱)، طراحی مدل اجرای سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر برنامه‌های توسعه کشور، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت.
مظاهری، ابوذر (۱۳۹۳)، افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی، اصفهان: آرما.
همایون، محمدهادی (۱۳۸۷)، «دین و تمدن در گذار تاریخ (رویکردی راهبردی و تمدنی به مهدویت)»، نامه پژوهش فرهنگی، سال اول، ش ۱۱.

Braun, V.; Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

King, N.; Horrocks, C. (2010), *Interviews in Qualitative Research*, London: Sage.

